

ارزیابی نقش زنان در تقویت خود آگاهی و هویت خانوادگی

(مطالعه موردی: زنان شهر کرمانشاه)

چکیده

این تحقیق به دنبال بررسی نقش زنان در ایجاد خود آگاهی و هویت یابی خانواده است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است. داده های تحقیق کتابخانه ای و میدانی است که به صورت مصاحبه نیمه ساختار یافته عمیق با حجم 30 نمونه از زنان متأهل شهر کرمانشاه انجام گردیده است. تحلیل داده ها با استفاده روش تحلیل مضمون براون و کلارک 2006 انجام شد. نتایج نشان داد 5 عامل عمده در ایجاد خود آگاهی زنان تاثیر دارند که عبارتند از: نقش های اجتماعی و بحران های زندگی، تجربه گرایی و تنظیم عاطفی، تعاملات خانوادگی و موقعیتی و بستر محور، آموزه های رسمی و ترکیب موقعیت و درونی بودن خود آگاهی، هم چنین نتایج بررسی های در هدف دوم نشان داد که 5 تم در ایجاد هویت یابی خانواده ها نقش دارد که عبارتند از: همبستگی خانوادگی با محوریت زن، انتقال فرهنگی و بازتولید هویت خانوادگی، تنظیم عاطفی و تعادل روانی خانواده، هدایت تربیتی و شخصیتی اعضا، الگودهی و تثبیت نقش های هویتی در خانواده.

کلمات کلیدی: نقش زنان، خود آگاهی، هویت خانوادگی، روش تحلیل مضمون براون و کلارک، روانشناسی خانواده.

مقدمه

از منظر تاریخی، زنان همیشه نقش اساسی در انتقال دانش، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی ایفا کرده اند. در جوامع مختلف، نقش آنان در حفظ سنت ها و در عین حال ایجاد تغییرات مثبت، قابل توجه بوده است. رشد جنبش های زنان در قرن های اخیر نشان دهنده افزایش آگاهی جمعی نسبت به اهمیت حضور زنان در ساختارهای اجتماعی و هویتی است (لاهیجی و کار، 1396). از منظر روان شناسی، زنان و به ویژه مادران، با ایفای نقش مراقبتی، عاطفی و آموزشی، نقش مؤثری در رشد روانی، شناختی و اجتماعی فرزندان دارند. حضور یک مادر آگاه و با هویت تثبیت شده، می تواند در تقویت عزت نفس، استقلال فکری، و ثبات عاطفی اعضای خانواده، به ویژه کودکان، نقش تعیین کننده ای ایفا کند (شریعتمداری، 1397، Maccoby, 1998). علاوه بر این، زنان با مشارکت فعال در عرصه های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی، نه تنها بر شکل گیری هویت اعضای خانواده، بلکه بر هویت جمعی جامعه تأثیر گذارند.

(گلبهاری، 1401: 1408؛ McLeod, 2008). گسترش رسانه‌های اجتماعی، جهانی‌شدن، و دگرگونی سبک‌های زندگی نیز از عواملی هستند که تجربه هویت‌یابی زنان را به‌ویژه در جوامع در حال گذار، پیچیده‌تر کرده‌اند. این تغییرات می‌تواند موجب تعارضات هویتی، بازاندیشی در نقش‌های جنسیتی و حتی بحران هویت در برخی موارد شود (مهدی زاده، 1399؛ Castells, 2010). در ایران نیز زنان در شکل‌گیری و تقویت هویت انسانی نقش داشته که این امر تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و تاریخی قرار دارد. در دهه‌های اخیر، تحولات گسترده‌ای در نقش زنان در جامعه ایرانی رخ داده است که موجب بازاندیشی در هویت فردی و اجتماعی آنان شده است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که تحصیلات، اشتغال و پایگاه اجتماعی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر هویت زنان در ایران هستند. هرچه زنان دارای تحصیلات بالاتر و موقعیت اجتماعی بهتر باشند، میزان بازاندیشی در مورد هویت جنسیتی و اجتماعی آنان افزایش می‌یابد (کاردوانی و نفیسی‌راد، 1403). از منظر جامعه‌شناسی، زنان ایرانی در کشاکش میان سنت و مدرنیته قرار دارند. گفتمان جهانی بر محور هویت شخصی مدرن، در مقایسه با گفتمان سیاسی حاکم، تأثیر بیشتری بر زنان داشته است. زنان تحصیل کرده و شاغل که پایبندی مذهبی کمتری دارند، بیش از سایر گروه‌ها در برابر الگوی ارائه‌شده برای زنان از سوی گفتمان حاکم، مقاومت نشان داده و تعارضات هویتی کمتری را تجربه می‌کنند علاوه بر این، سبک زندگی، مصرف‌گرایی، جهانی‌شدن و رسانه‌های اجتماعی از دیگر عوامل مؤثر بر هویت زنان ایرانی هستند. این عوامل موجب تغییر در نگرش زنان نسبت به نقش‌های سنتی و مدرن شده‌اند و در برخی موارد، بحران هویت را در میان زنان ایرانی تشدید کرده‌اند (گلبهاری، 1401). حضور یک مادر آگاه و دارای هویت قوی می‌تواند موجب شکل‌گیری شخصیت مستقل، اعتمادبه‌نفس و ثبات عاطفی در فرزندان شود. همچنین، ارتباطات میان فردی زنان در محیط خانواده می‌تواند به ایجاد محیطی سالم، همراه با همدلی و تفاهم کمک کند. از منظر اجتماعی، نقش زنان در تقویت هویت جمعی، از طریق فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مشخص می‌شود. مشارکت در حوزه‌های آموزشی، سیاسی و اقتصادی، موجب تقویت نقش زنان به‌عنوان عاملی تأثیرگذار بر توسعه اجتماعی و فرهنگی جوامع می‌شود. زنان با ایفای نقش‌های مختلف، از جمله آموزش و پرورش نسل‌های آینده، حفظ و انتقال فرهنگ و ارزش‌های بومی و حضور در عرصه‌های کار و فعالیت اجتماعی، به شکل‌دهی به هویت خانوادگی و اجتماعی کمک می‌کنند (ملاسلیمی و سروه، 1394). این تحقیق به دنبال واکاوی آن است که چه عواملی بر خود آگاهی زنان اثرگذار بوده و زنان چگونه به هویت‌یابی افراد خانواده کمک می‌کنند؟

اهمیت و ضرورت مطالعه

مطالعه جایگاه زنان در هویت‌یابی خود و خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا که شناخت و تأکید بر جایگاه زنان در جامعه و خانواده، نه تنها موجب تقویت هویت فردی و جمعی می‌شود، بلکه بستری برای پیشرفت اجتماعی و فرهنگی فراهم می‌آورد. توجه به نقش زنان در توسعه پایدار، آموزش و تربیت نسل‌های آینده، از ارکان اساسی در تحقق عدالت اجتماعی و پیشرفت جوامع محسوب می‌شود. ضرورت و اهمیت بررسی نقش زنان در تشکیل و تقویت هویت و شناخت انسانی بررسی نقش زنان در تشکیل و تقویت هویت انسانی از جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی دارای اهمیت ویژه‌ای است. زنان نه تنها در شکل‌دهی به هویت فردی خود نقش دارند، بلکه به‌عنوان ارکان اصلی خانواده و اجتماع، تأثیرات گسترده‌ای بر فرایند رشد و شناخت انسانی اعضای خانواده می‌گذارند. این تأثیرگذاری به‌ویژه در جوامعی که تغییرات اجتماعی و فرهنگی را تجربه می‌کنند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. هم چنین زنان، خصوصاً مادران، از طریق تعاملات روزمره، آموزش، و حمایت عاطفی، پایه‌های شناخت انسانی و هویت را در کودکان و سایر اعضای خانواده تقویت می‌کنند. این نقش اساسی در رشد اعتمادبه‌نفس، عزت‌نفس و استقلال فکری افراد تأثیر دارد.

تأثیر اجتماعی و فرهنگی زنان بر هویت جمعی حضور زنان در جامعه، از طریق مشارکت در آموزش، اقتصاد و فعالیت‌های فرهنگی، موجب تقویت ارزش‌های اجتماعی و شکل‌گیری هویت فرهنگی می‌شود. انتقال سنت‌ها، باورها و ارزش‌های اجتماعی توسط زنان به نسل‌های بعد، موجب حفظ انسجام فرهنگی و افزایش آگاهی عمومی می‌شود (مهدی زاده، 1399). زنان در توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی توانمندسازی زنان از طریق تحصیلات، اشتغال و مشارکت اجتماعی نه تنها موجب رشد فردی آنان می‌شود، بلکه بر ساختار اجتماعی جامعه نیز تأثیرات قابل توجهی دارد. حضور فعال زنان در عرصه‌های مختلف موجب افزایش سطح شناخت و هویت اجتماعی افراد می‌شود و مسیر توسعه پایدار را تقویت می‌کند. اهمیت پژوهش‌های علمی در شناخت این تأثیرات بررسی نقش زنان در تشکیل و تقویت هویت انسانی از منظر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، و مطالعات فرهنگی می‌تواند به سیاست‌گذاری‌های مؤثر در حوزه‌های آموزشی، اجتماعی و اقتصادی کمک کند.

پیشینه پژوهش

هویت یابی و خود آگاهی زنان و خانواده موضوعی است که عمدتاً به طور مستقیم در کمتر پژوهشی به آن پرداخته شده است. در ادامه نزدیک‌ترین محور های مطالعاتی و به روز ترین آن در بخش پیشینه پژوهش ارائه گردید.

جدول 1- پیشینه تحقیق

نتایج تحقیق	عنوان تحقیق	نام نویسنده و سال
خودآگاهی معنوی مادر موجب خودپنداره مثبت فرزندان، تقویت هویت جنسی و خانوادگی، نگرش مثبت به ازدواج و پایداری خانواده می‌شود.	نقش خودآگاهی معنوی مادر در هویت دینی دختران	حسینی و هاشمی (1402)
تحصیلات و اشتغال زنان موجب خودآگاهی و بازتعریف نقش در خانواده می‌شود.	عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر بازتعریف هویت اجتماعی زنان	ساروخانی و جاه (1383)
نظرات مادران درباره نقش‌های جنسیتی، خودآگاهی و توانمندی اجتماعی دختران را تقویت می‌کند.	تأثیر نظرات مادران در نقش‌های جنسیتی بر توانمندی اجتماعی دختران	زاهدی اصل و توکلی (1395)
زن باعث ایجاد عشق، آرامش و هویت مثبت در خانواده می‌شود.	نقش زنان در فرهنگ خانواده‌مداری	باوی و سیاحی و استادعباسی (1398)
زن با عشق‌ورزی، تفاهم و خانه‌داری، هویت خانوادگی را تثبیت می‌کند.	جایگاه و نقش زن در آرامش خانواده	سمانچو (1398)
هویت مادری، فطری است و موجب انتقال خودآگاهی به فرزندان و هویت خانوادگی می‌شود.	بررسی هویت مادری در قرآن	عظیم‌زاده اردبیلی (1403)
زن با اغماض، محبت و نظم در خانه، هویت خانواده را مستحکم می‌سازد.	نقش زنان در استحکام خانواده با الگوگیری از فرهنگ اسلامی	بنی اسد (1399)
هویت زنانه با افزایش خودآگاهی، به بازسازی هویت خانوادگی منجر می‌شود.	بررسی رابطه پویایی هویت زنانه و تعارضات زناشویی (مطالعه موردی: زنان ساکن بزد)	توانگر (1397)
زن با پذیرش نقش‌ها و خودآگاهی، فضای شاد و هویت مثبت در خانواده ایجاد می‌کند.	نقش زنان در شادکامی خانواده (مطالعه کیفی در شهر یزد)	فلک الدین و همکاران (1401)
مادران تحصیل کرده و شاغل، خودآگاهی بالاتر و هویت خانوادگی پویاتری دارند.	نقش خود آگاهی معنوی مادر در هویت دینی دختران	حسینی و هاشمی (1402)

مادر شدن باعث گسترش هویت زنان در سطوح فردی، ارتباطی، نسلی و حرفه‌ای می‌شود.	توسعه فردی: توسعه هویتی و مادران‌دگی در زنان دانشجویی	وارد و ولف-وندل ^۱ (2012)
در خانواده‌های با مشارکت شغلی زنان، هویت خانوادگی و خودآگاهی زنان تقویت می‌گردد.	تفاوت‌های جنسیتی در هویت‌ها و ارتباط آن‌ها با ساختار اجتماعی	استرایکر و سرپ ^۲ (1994)
هویت دوگانه مادری-شغلی، اگر هم‌ساز باشد، رفاه و خودآگاهی را بالا می‌برد؛ در غیر این صورت ممکن است تضاد به هویت خانوادگی آسیب بزند.	ترکیب مادری و شغل: تأثیر هویت دوگانه و تضاد هویتی بر رفاه	سویانو و والا ^۳ (2020)
هنجارهای جنسیتی روی ترکیب هویت کاری و خانوادگی زنان تأثیر دارد و شکل‌گیری هویت خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.	ترکیب هویت جنسیتی، کاری و خانوادگی	سینامون و ریچ ^۴ (2002)
روایت‌های خانوادگی معنادار، هویت فردی و خانوادگی زنان را تقویت می‌کنند.	ساختار خود و خانواده در روایت‌های بین‌نسلی	فیوش و همکاران ^۵ (2011)

جنبه نوآوری تحقیق

یکی از نوآوری‌های اساسی این پژوهش، تمرکز هم‌زمان و تلفیقی آن بر سه حوزه مطالعاتی روان‌شناسی فردی، جامعه‌شناسی خانواده و هویت‌شناسی است. در حالی که اغلب پژوهش‌های پیشین، نقش زنان را در حوزه‌های جزئی مانند تربیت فرزندان یا مشارکت اجتماعی بررسی کرده‌اند، این مطالعه با نگرشی کل‌نگر، به تحلیل تعاملات زنان در شکل‌دهی به خودآگاهی فردی و هویت انسانی در بستر خانواده می‌پردازد. این رویکرد میان‌رشته‌ای، زمینه را برای درک عمیق‌تری از نقش زنان در ساختارهای هویتی نوین فراهم می‌سازد؛ به‌ویژه در جوامعی مانند ایران که در حال تجربه گذار فرهنگی و ارزشی هستند. نوآوری دیگر این تحقیق، توجه به رابطه متقابل خودآگاهی زنان با هویت‌یابی سایر اعضای خانواده و تحلیل این پیوند در چارچوب تحولات نوین مانند جهانی‌شدن، رسانه‌های اجتماعی و تغییر سبک زندگی است. این رویکرد، برخلاف دیدگاه‌های سنتی که نقش زنان را ایستا و منفعل می‌دانستند، زنان را به‌عنوان کنشگرانی فعال در فرآیند شکل‌گیری و بازسازی هویت فردی و جمعی معرفی می‌کند. همچنین، بهره‌گیری از داده‌های ترکیبی و تحلیل‌های میان‌رشته‌ای، ظرفیت این پژوهش را برای ارائه راهکارهای نوآورانه در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی، توانمندسازی زنان و تقویت نهاد خانواده افزایش داده است.

اهداف و سوالات تحقیق

اهداف:

- 1-شناسایی و اولویت‌بندی سازوکارهای اثرگذار در تقویت خودآگاهی زنان
- 2-بررسی راه‌های تقویت هویت خانواده از طریق زنان

سوالات:

- 1-کدام سازوکارها در تقویت خودآگاهی فردی زنان نقش دارند؟

¹ Ward & Wolf-Wendel

² Stryker & Serpe

³ Sevillano & Vala

⁴ Cinamon & Rich

⁵ Fivush et al

چارچوب نظری

خودآگاهی یکی از ابعاد بنیادی شخصیت انسانی است که به درک فرد از هویت، احساسات، توانایی ها و اهداف خود اشاره دارد. براساس نظریه بندورا (1991)، خودآگاهی به فرد کمک می کند تا خود را به عنوان عاملی فعال در رفتارها و تصمیماتش درک کند. خودآگاهی در زنان، به ویژه در نقش های خانوادگی، می تواند منجر به افزایش اعتماد به نفس، مسئولیت پذیری و انسجام شخصیتی شود (Bandura, 1991). از دیدگاه روان شناسی رشد، خودآگاهی در زنان معمولاً از طریق تجربه های مراقبت از دیگران، ایفای نقش مادری و مشارکت در فرایندهای عاطفی خانواده تقویت می شود (Gilligan, 1982). همچنین مطالعات نشان داده اند که زنان با مشارکت فعال در امور خانوادگی و تصمیم گیری های عاطفی و اجتماعی، به درک عمیق تری از خود دست می یابند (Fivush et al., 2011).

هویت به عنوان مفهومی پویا، ساختی است که فرد از طریق تعامل با دیگران و در بستر فرهنگی و اجتماعی پیرامون خود کسب می کند (Erikson, 1968). از نگاه اریکسون، یکی از مراحل مهم رشد، دستیابی به «هویت منسجم» است که در تعامل با نقش های اجتماعی معنا می یابد. برای زنان، خانواده به عنوان یکی از مهم ترین بسترهای هویت یابی، نقش کلیدی ایفا می کند. نقش های خانوادگی همچون مادری، همسری و مراقبت گری، فرصتهایی برای معنا دادن به «خود» و تقویت حس تعلق به گروه خانوادگی فراهم می کنند (Cinamon & Rich, 2002). این نقش ها نه تنها به هویت فردی زنان شکل می دهند، بلکه در ساخت و تقویت هویت خانوادگی نیز اثرگذارند. بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین، تعامل های روزمره در خانواده باعث معناسازی از «من اجتماعی» و «من فردی» می شود (Mead, 1934). در میان اعضای خانواده همواره نقش زنان بسیار پررنگ و محسوس می باشد. نقش زنان در تشکیل و تقویت هویت فردی و شناخت انسانی خود و اعضای خانواده، موضوعی گسترده و چندوجهی است که ابعاد روان شناختی، شخصیتی، رفتاری و عاطفی را شامل می شود. هویت فردی یک انسان از طریق تعاملات اولیه با خانواده شکل می گیرد، و زنان به عنوان مادر، همسر یا عضو فعال خانواده، تأثیر مستقیمی بر این فرآیند دارند. این نقش نه تنها بر رشد شخصیت فردی افراد تأثیر می گذارد، بلکه به توسعه انسجام و سلامت روانی خانواده نیز کمک می کند. از جنبه روان شناختی، سبک های تربیتی، میزان حمایت عاطفی و شیوه های ارتباطی زنان، تأثیر مستقیمی بر رشد ذهنی و شناختی افراد دارد. تحقیقات نشان می دهد که مادرانی که از روش های تربیتی مبتنی بر توجه و همدلی استفاده می کنند، به شکل گیری شخصیت قوی و مستقل فرزندان کمک می کنند. احساس امنیت روانی، اعتماد به نفس و توانایی درک متقابل از محیط، به واسطه ارتباط سازنده میان زنان و دیگر اعضای خانواده تقویت می شود. در سطح فردی، زنان با توسعه مهارت های شناختی، خودآگاهی و توانمندسازی شخصی، نقش مهمی در شکل دهی به هویت خود دارند. میزان تحصیلات، توانایی مدیریت احساسات و استقلال در تصمیم گیری، عواملی هستند که بر شناخت فردی زنان و میزان تأثیرگذاری آنان بر محیط خانوادگی اثر می گذارند. زنانی که در مسیر رشد فردی خود موفق هستند، می توانند این تجربیات را به دیگر اعضای خانواده انتقال داده و به شکل گیری شخصیت های مستقل و مسئولیت پذیر کمک کنند (کازمی و همکاران، 1402). روابط میان فردی زنان در خانواده نه تنها بر تعاملات شخصی و عاطفی تأثیر می گذارد، بلکه در شکل گیری ساختار اجتماعی و فرهنگی نیز نقش کلیدی دارد. ارتباطات سالم و مبتنی بر همدلی موجب تقویت پیوندهای خانوادگی و کاهش تعارضات می شود، که این امر به ایجاد محیطی پایدار و حمایتگر برای رشد افراد کمک می کند. زنان به دلیل نقش محوری خود در خانواده، می توانند ارزش های بنیادین مانند احترام، مسئولیت پذیری و اعتماد را به نسل های بعدی انتقال دهند. از طریق مهارت های ارتباطی مؤثر، آن ها نه تنها فرزندان را در

بررسی راه‌های تقویت هویت خانواده از طریق زنان

به منظور بررسی هدف دوم نیز یک پرسشنامه 10 سوال با 5 محور اصلی طراحی و به صورت مصاحبه نیمه ساختار یافته عمیق تدوین و با 30 تن از زنان متأهل مصاحبه شد. در ادامه پس از دریافت کلیه پاسخنامه‌ها، محقق با استفاده از روش تحلیل مضمون براون و کلارک 2006، ا کدگذاری اولیه براساس پاسخ‌ها را انجام و انواع تم‌ها نیز استخراج شد. جدول کدگذاری برای هدف دوم ترسیم گردید:

جدول 4- کدگذاری اولیه پرسشنامه دوم

کدهای مفهومی	گزاره‌های کلیدی	سؤال
مشورت با اعضای خانواده، تصمیم‌گیری‌های جمعی، آشتی سریع، ارتباطات مثبت کلامی	ایجاد وحدت عاطفی، نقش زن در پیوند خانواده	انسجام خانوادگی
تاکید بر صداقت، سنتهای دینی، قانون‌مداری، انتقال فرهنگ قومی	تربیت ارزشی، حفظ فرهنگ و هویت	انتقال ارزشها
کنترل خشم، نادیده گرفتن احساسات، جلوگیری از تنش، حمایت عاطفی	خودتنظیمی عاطفی، مدیریت تنش	مدیریت عاطفی
گفتگو، تشویق، تربیت غیر مستقیم، عدم استفاده از تنبیه بدنی	هدایت رشد شخصیتی، تربیت انسانی	تربیت و هدایت
نظم، کارگروهی، الگوی اخلاقی، تقسیم مسئولیت	نقش‌الگویی در خانواده، شکل‌دهی هویت	الگوی رفتاری

در ادامه تم‌های استخراج شده از جدول (4) کدگذاری مصاحبه نیمه ساختار یافته عمیق از 30 زن متأهل بدست آمد:

تم اول: انسجام و همبستگی خانوادگی با محوریت زن: یکی از نقش‌های کلیدی زنان در خانواده، نقش آن‌ها در ایجاد و تقویت انسجام خانوادگی است. انسجام خانوادگی به معنای احساس تعلق، همبستگی روانی و همکاری بین اعضای خانواده تعریف می‌شود (Olson, 2000). زنان معمولاً در جایگاه کانون عاطفی خانواده قرار دارند و با بهره‌گیری از مهارت‌های همدلی، گوش دادن فعال، و تنظیم روابط درونی، محیطی گرم و پیوسته را فراهم می‌آورند. در خانواده‌های ایرانی، انسجام خانوادگی اغلب از طریق رفتارهای همدلانه، تنظیم‌کننده و ارتباطی زنان تقویت می‌شود. زنانی که در گفت‌وگوهای خانوادگی مشارکت می‌کنند، به اختلاف‌ها پایان می‌دهند، در تصمیم‌گیری جمعی نقش دارند و نقش‌های عاطفی را به خوبی ایفا می‌کنند، بنیان وحدت و پیوند پایدار در خانواده را فراهم می‌سازند (صادقی، 1398: 102). نظریه «تاب‌آوری خانواده» نیز تأکید می‌کند که وجود یک فرد با ثبات و مهارت‌مند در مرکز خانواده می‌تواند ساختار روانی خانواده را در برابر بحران‌ها مقاوم کند (Walsh, 2003). در اغلب موارد، این نقش بر عهده مادر یا همسر است که محور ارتباطی خانواده به شمار می‌رود.

تم دوم: انتقال فرهنگی و بازتولید هویت خانوادگی: زن در ساختار خانواده، نقشی محوری در انتقال ارزش‌ها، هنجارها و باورهای فرهنگی دارد. او نه تنها از طریق آموزش مستقیم، بلکه از طریق الگو بودن، رفتارهای روزمره و نوع واکنش به موقعیت‌های اجتماعی، فرهنگ خانواده را بازتولید و به نسل بعد منتقل می‌کند (Berger & Luckmann, 1966). در جامعه ایران، انتقال ارزش‌هایی چون احترام به بزرگ‌تر، دیانت، صداقت، غیرت خانوادگی و روحیه جمع‌گرایی بیشتر از طریق مادران و زنان انجام می‌شود. بر اساس مطالعه حبیبی و همکاران (1397)، زنانی که خودآگاهی فرهنگی دارند، توان بیشتری در انتقال ارزش‌های خانوادگی به فرزندان داشته و باعث تقویت احساس هویت فرهنگی در آن‌ها می‌شوند. نظریه «جامعه‌پذیری اولیه» نیز تأکید دارد که کودک اولین نهادهای ارزشی

و فرهنگی را از مادر یا مراقب اصلی فرا می‌گیرد (Grusec & Hastings, 2015). لذا زن با ایفای نقش فعال در زندگی روزمره، فرهنگ را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کند و در حفظ هویت فرهنگی خانواده مؤثر است.

تم سوم: تنظیم عاطفی و تعادل روانی خانواده: یکی از کارکردهای پنهان اما حیاتی زن در خانواده، نقش او به عنوان تنظیم‌گر هیجانات و تعادل روانی خانواده است. زنان معمولاً توانایی بالایی در همدلی، شناسایی احساسات دیگران و مدیریت تنش‌های درون خانوادگی دارند (Goleman, 2001). آن‌ها در موقعیت‌های بحرانی مثل اختلافات زناشویی یا تنش با فرزندان، با استفاده از راهبردهای عاطفی مانند گوش دادن، آرام‌سازی، یا میانجی‌گری، فضا را کنترل و آرام می‌کنند. در پژوهش نظری پور و همکاران (1400) نشان داده شد که مهارت‌های تنظیم عاطفی مادران رابطه مستقیمی با رضایت از زندگی زناشویی و رفتار مثبت فرزندان دارد. زنانی که در موقع بحران عاطفی خود را کنترل کرده و دیگران را هم آرام می‌کنند، به‌نوعی به‌عنوان محور تعادل روانی در خانواده عمل می‌کنند. نظریه «هوش هیجانی» گلمن (2001) نیز بر نقش شناخت هیجان‌ها، کنترل احساسات و ایجاد همدلی تأکید دارد. این مهارت‌ها، که در زنان بیشتر دیده می‌شود، به آن‌ها امکان می‌دهد در نقش حامی عاطفی خانواده ظاهر شوند (Bar-On, 2006).

تم چهارم: هدایت تربیتی و رشد شخصیتی اعضا: زن نقش فعالی در هدایت تربیتی فرزندان و شکل‌گیری شخصیت آن‌ها دارد. تربیت تنها به انتقال دانش و اطلاعات خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل راهنمایی‌های اخلاقی، تنظیم رفتار، الگودهی و شکل‌دادن به شخصیت نیز می‌شود (مطهری، 1377). زن به‌عنوان اولین معلم کودک، اصول اخلاقی، هنجارهای رفتاری و مهارت‌های اجتماعی را آموزش می‌دهد. طبق پژوهش نصرآبادی (1399)، مادرانی که از روش‌های تشویق، مشارکت و الگودهی مثبت استفاده می‌کنند، بیشترین تأثیر را در اعتماد به‌نفس و رفتار مسئولانه کودکان دارند. زنانی که خود آگاهانه در مسیر رشد کودکان قدم برمی‌دارند، نقش محوری در تربیت «فردی هویت‌مند» ایفا می‌کنند. نظریه تربیت اسلامی نیز تأکید دارد که مادر نقشی تربیتی دارد که از طریق مهر، همراهی و الگودهی درونی تحقق می‌یابد (مطهری، 1377؛ شریعتی، 1380).

تم پنجم: الگودهی و تثبیت نقش‌های هویتی در خانواده: الگوی رفتاری زن در خانه نقش مؤثری در ساخت هویت اعضای خانواده، به‌ویژه فرزندان دارد. زن با رفتارهای خودنظم، مسئولیت‌پذیری، نوع تعامل با همسر و فرزندان—همانندسازی و تقلید رفتاری را در دیگر اعضا فعال می‌کند. این همان نکته‌ای است که بندورا (1986) در نظریه یادگیری اجتماعی به آن اشاره دارد؛ یادگیری از طریق مشاهده و تقلید نقش‌ها. مطالعات شریفی (1399) نشان می‌دهد که زنانی که الگوی مثبت در رفتار، مسئولیت‌پذیری، و مشارکت خانوادگی هستند، به تثبیت ارزش‌های خانوادگی و تقویت هویت جمعی کمک می‌کنند. همچنین، تقسیم کار عادلانه در خانواده که اغلب از سوی زنان هوشمندانه مدیریت می‌شود، به احساس همدلی، مشارکت و خودشناسی اعضای خانواده دامن می‌زند. در این تم، زن به عنوان «مرجع رفتاری» نقش بنیادینی در نهادینه‌سازی هویت خانوادگی، جنسیتی و اخلاقی ایفا می‌کند.

نتیجه‌گیری

تحلیل نهایی نشان می‌دهد که خودآگاهی زنان، محصولی ترکیبی از عوامل عاطفی، اجتماعی و فرهنگی است که نه تنها از مسیر تدریس یا آموخته‌های غیرموقعیتی بلکه در روندی عملی - بسترمحور شکل می‌گیرد. در واقع خودآگاهی زنان نه تنها محصول درون‌نگری، بلکه نتیجه تعامل با موقعیت‌ها و بحران‌های زندگی و روابط نزدیک است. این موضوع مطابق با «دانش زنانه» و مطالعات هوش هیجانی است. خود آگاهی زنان تحت تأثیر فشارهای اجتماعی و بحران‌های زندگی، تجربه‌گرایی و تنظیم عاطفی، تعاملات خانوادگی - موقعیتی و بستر محور، آموزه‌های رسمی و ... می‌باشد. به عبارت دیگر، با تحلیل روندهای تجربه‌شده زنان، می‌توان نتیجه گرفت که خودآگاهی، امری پویا و چندلایه است که به‌جای آنکه صرفاً در آموزش رسمی یا روان‌شناسی فردی جست‌وجو شود، باید در بستر زیست‌جهان روزمره زنان و تجربه‌های آنان مورد بررسی قرار گیرد. تقویت این فرآیند نیازمند سیاست‌هایی است که هم آموزش رسمی را متحول کند و هم بسترهای فرهنگی، خانوادگی و اجتماعی را برای تأمل، گفت‌وگو و رشد فراهم سازد. نقش زنان در تقویت هویت خانوادگی چند بعد بنیادین دارد که در پاسخ‌های مصاحبه‌شونده‌ها به وضوح نمایان است. نخستین بعد، نقش

انسجام بخش زنان در فضای خانوادگی است. چنان که گیدنز (1992) اشاره می کند، خانواده معاصر تنها نهادی نیست که با ساختار اقتصادی و اجتماعی پیوند دارد، بلکه پیوندهای عاطفی اعضا، خاصه تحت هدایت مادر، نقش کلیدی در بقای آن دارد. زن به عنوان کانون ارتباطات غیررسمی، در ایجاد حس امنیت و صمیمیت خانوادگی عمل می کند. در گام بعدی، نقش انتقال دهنده ارزش ها و فرهنگ ها به واسطه رفتارهای روزمره زن، به ویژه در ارتباط با فرزندان و همسر آشکار می شود. مطالعات برگر و لاکمن (1966) در نظریه ساخت اجتماعی واقعیت، بر اهمیت نقش خانواده در نهادینه سازی ارزش ها تأکید دارد؛ جایی که زن به عنوان عامل جامعه پذیری اولیه، الگوهای رفتاری، دینی، فرهنگی و اخلاقی را درونی می سازد (نصیری، 1400: 75).

نتایج هدف دوم پژوهش نیز نشان داد زنان با بهره گیری از مهارت های همدلی، کنترل هیجان و تنظیم ارتباط، مانع از انفجار تنش ها و فروپاشی فضای آرام خانه می شوند. نظریه هوش هیجانی گلمن (2001) نشان می دهد که زنان اغلب از توانایی بالاتری در تشخیص و تنظیم هیجانات برخوردارند که همین توانمندی، بنیانی برای تقویت سلامت روانی در نظام خانواده است. در حوزه تربیت، زن به مثابه راهنما و مربی شخصیت فرزندان، حضوری بنیادین دارد. تربیت از نگاه اسلامی و روان شناسی رشد، نه صرفاً مجموعه ای از دستورها، بلکه فرآیندی تعاملی، مبتنی بر الگودهی و همراهی عاطفی است. زنان با ایجاد محیط یادگیری غیررسمی، ارزش هایی چون مسئولیت پذیری، احترام، نظم و تفکر انتقادی را نهادینه می کنند. نهایتاً در بعد الگویی، زن با رفتارهای روزمره خود، نقش های جنسیتی و اخلاقی را برای فرزندان نهادینه می سازد. این همان چیزی است که بندورا (1986) در نظریه یادگیری اجتماعی اش، آن را «یادگیری از طریق مشاهده» نام می نهد. در خانواده، زنان با ایفای نقش فعال، مسئولانه و عاطفی، مسیر شکل گیری هویت خانوادگی و جمعی را هموار می سازند.

منابع

1. 18, 13-25، نظری پور، زهرا و همکاران (1400). بررسی رابطه تنظیم هیجان با رضایت زناشویی و سازگاری خانوادگی. مطالعات روان شناسی خانواده، 5(2)، 73-90.
2. نصرآبادی، رضا. (1399). نقش الگوی تربیتی مادران در رشد شخصیت کودک. مطالعات تربیتی، 10(1)، 72-55.
- شریعتی، علی (1380). زن. تهران: چاپ نشر قلم.
3. آقایی، سهیلا، (1375)، فرهنگ مادرپروری، ماهنامه ی پیوند، شماره 205، صفحه 4.
4. امینی، ابراهیم، (1376)، بانوی نمونه اسلام، چاپ اول، قم، شفق، صفحات 2 - 23.
5. حبیبی، فاطمه. (۱۴۰۰). «نقش آیین های مذهبی در تقویت سرمایه روانی زنان». پژوهش های فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۲۲، ص ۱۳۱-۱۴۵.
6. سمانچو، پ. (۱۳۹۹)، جایگاه و نقش زن در آرامش خانواده. دو فصلنامه تخصصی پژوهش های اسلامی جنسیت و خانواده، ۲(۳)، ۹۹-۹۱.
7. شریفی، مهسا (1399). تحلیل نقش مادر در بازتولید هویت خانوادگی. مجله جامعه شناسی خانواده، 5(1)، 45-60.
8. صادقی، نسرین. (1398). بررسی نقش هوش هیجانی زنان در انسجام خانوادگی. فصلنامه خانواده، 4(2)، 95-110.
- حبیبی، لیلا و همکاران (1397). تحلیل نقش زنان در انتقال فرهنگ بومی به فرزندان. پژوهشنامه علوم اجتماعی، 11(3)، 25-40.

9. فروتن، مریم و همکاران. (۱۳۹۸). «بررسی نقش معنویت در بهبود سلامت روان زنان». فصلنامه مطالعات روان‌شناسی دینی، شماره ۱۲، صص ۵۶-۷۱.
 10. قاسمی، ی.، نوابخش، م.، استاک، (1397). جایگاه و هویت زن در جدال گفتمان‌های ایرانی (با تأکید بر گفتمان امام خمینی). -روان‌شناسی فرهنگی زن، 10(35)، 7-22.
 11. کاردوانی، ر.، نفیسی‌راد، م. (1403). زمینه‌های مؤثر بر هویت زنان در ایران: مرور نظام‌مند پژوهش‌های داخلی در دو دهه گذشته. مطالعات زن و خانواده، 12 (2)، 38-79. <https://doi.org/10.22051/jwfs.2024.43281.2966>
 12. کاظمی، لیلا، عرب، بهار، علی زاده خوانی، (1402) هویت و جایگاه زن متعالی و تأثیر آن بر شیوه زندگی امروزی با تکیه بر آموزه‌های دینی، ولین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و فلسفه.
 13. گلبهاری، ندا (1401). تقابل هویت جنسیتی فردی و اجتماعی در تکزیستی دختران، مسائل اجتماعی ایران، 13(2)-281.306 <https://doi.org/20.1001.1.24766933.1401.13.2.12.7>
 14. لاهیجی، شهلا، کار، مهرانگیز (1396). شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش تاریخ و تاریخ، تهران روشنگران و مطالعات زنان.
 15. مطهری، مرتضی (1377). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
 16. ملاسلیمی، سروه (1394). شناسایی هویت اجتماعی زنان و رابطه ی آن با انواع مصرف فرهنگی (مطالعه موردی: زنان شهر سنندج. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان
 17. مهدی زاده، سجاد، مهدی زاده، محمدمبین (1399). نقش نهادهای فرهنگی و ارتباطی در تحولات هویت جنسیتی زنان در دوره قاجار، فرهنگ و ارتباطات، 2 (8) -283.310
1. Bandura, A. (1986). Social Foundations of Thought and Action: A Social Cognitive Theory.
 2. Bandura, A. (1991). Social cognitive theory of self-regulation. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50(2), 248–287.
 3. Berger, P. & Luckmann, T. (1966). *The Social Construction of Reality*.
 4. Cinamon, R. G., & Rich, Y. (2002). Gender differences in the importance of work and family roles: Implications for work–family conflict. *Sex Roles*, 47(11-12), 531-541.
 5. Erikson, E. H. (1968). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.
 6. Fivush, R., Bohanek, J. G., & Duke, M. (2011). The intergenerational self: Subjective perspective and family history. In *Narrative Development in Adolescence* (pp. 131–143).
 7. Goleman, D. (2001). *Emotional Intelligence*. Bantam Books. Bar-On, R. (2006). The Bar-On model of emotional-social intelligence. *Psicothema*
 8. Grusec, J.E. & Hastings, P.D. (2015). *Handbook of Socialization: Theory and Research*.
 9. Koenig, H. G. (2009). *Religion and Mental Health: Research and Clinical Applications*. Academic Press.
 10. Mead, G. H. (1934). *Mind, self and society*. University of Chicago Press.
 11. Nasr, S. H. (2010). *The Heart of Islam: Enduring Values for Humanity*. HarperOne.
 12. Olson, D. (2000). Circumplex Model of Marital and Family Systems. *Journal of Family Therapy*, 22(2), 144–167.
 13. Sharifi, Saleh (2011). “The place of women in the spiritual advancement of society from the perspective of Imam Khomeini”, *Islamic research journal of women and family*, Vol. 4, No 11.

14. Simbar, Reza; Rezapour, Daniyal (2017). "The position of women in the discourse of the leaders of the Islamic Revolution of Iran", *Women and Society*, Vol. 9, No. 34: 133- 154. (In Persian) – Stock, Ruhollah; Navabakhsh, Mehrdad and Ghasemi, Yarmohammed (2017). "The place and identity of women in the conflict of Iranian discourses (with emphasis on Imam Khomeini's discourse)", *Women and Culture*, Vol. 10, No. 35: 22-7. (In Persian).
15. Springer. Gilligan, C. (1982). *In a different voice: Psychological theory and women's development*. Harvard University Press.
16. Walsh, F. (2003). *Family Resilience: A Framework for Clinical Practice*. *Family Process*, 42(1), 1-18.
17. Ward, K., & Wolf-Wendel, L. (2012). Mothering and professing: The balancing act of being a mother and an academic. *The Review of Higher Education*, 27(2), 233–257.

Assessing the Role of Women in Strengthening Self-Awareness and Family Identity

(Case Study: Women in Kermanshah)

Abstract

This study seeks to investigate the role of women in creating self-awareness and family identification. The research method is descriptive-analytical. The research data is library and field data, which was conducted in the form of in-depth semi-structured interviews with a sample of 30 married women in Kermanshah. Data analysis was performed using the Brown and Clark 2006 content analysis method. The results showed that 5 major factors have an effect on creating women's self-awareness, which are: social roles and life crises, empiricism and emotional regulation, family and situational and context-based interactions, formal teachings and the combination of situation and internality of self-awareness. The results of the studies in the second objective also showed that 5 themes play a role in creating family identification, which are: family solidarity with a woman as the center, cultural transmission and reproduction of family identity, emotional regulation and psychological balance of the family, educational and personality guidance of members, modeling and consolidation of identity roles in the family.

Keywords: Women's role, self-awareness, family identity, Brown and Clark's thematic analysis method, family psychology.